



دوره هشتم / سال اول / شماره ۲۸  
پنجشنبه ۲ اسفند ۱۳۳۲  
بها: ۲۰ ریال

### دهقانان پیکار خونین خود را ادامه خواهند داد

بزرگ مالکانی که در جریان پیروزی انقلاب از خشم دهقانان ستمکش در گوشه ای از کشور به سوراخی خزیده و یا به خارج گریخته بودند در پرتو عنایت و حمایت بی شائبه سران ج.ا. با اطمینان خاطر بازمی گردند تا انتقام آن پس گردنی را که در اوج انقلاب از زحمتکشان روستایی نوش جان کرده بودند، بگیرند و شالوده نظام بزرگ مالکی متکی بر وجود استثمار را پیش از پیش در روستاهای میهن تحکیم و تثبیت کنند. امروز فلودالهای زالوصفت آنچنان گستاخ بقیه در صفحه ۲

### افشاء چهره ضد مردمی رژیم، در دو سند

**علیه سیاست ضد ملی از بین بردن آموزش و درمان رایگان باید مبارزه کرد**  
تصمیم رژیم درباره از بین بردن آموزش و درمان رایگان، خصلت ضد ملی سران ج.ا. را بیش از پیش عیان میسازد و بحق خشم و نفرت توده های میلیونی محروم جامعه ما را برانگیخته است.  
محمد تقی بانکی وزیر مشاور و رییس سازمان برنامه و بودجه، حتی "سود" دولت از این خیانت آشکار به منافع زحمتکشان را نیز حساب کرده است. بموجب این محاسبه دولت موفق خواهد شد سالانه ۸۵ میلیارد تومان از طریق از بین بردن بقیه در صفحه ۲

### شهربانی جمهوری اسلامی از چه می ترسد؟

رژیم جمهوری اسلامی که پس از یورش خائنانه به حزب توده ایران باشادی تمام مجلس ختم حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را اعلام داشته بود اکنون باردیگر وحشترده و شتاپان به نیروهای سرکوبگر خود در سراسر ایران هشدار داده است تا از فعالیت تبلیغاتی هسته های سازمان یافته حزب توده ایران جلوگیری کنند. تشدید فعالیت انقلابی هسته های تجدید سازمان یافته حزب توده ایران همزمان شده است با اوج گیری جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران و زحمتکشان سراسر کشورمان و این درست همان نقطه پیوندی است که بند از بند آقایان می گسلد.

طبق گزارشهای واصل شده، علاوه بر احضار و دستگیری آندسته از توده ایها که به دلایل و انگیزه های خاص و با ضمانت و تعهد آزاد شده اند، عمال رژیم با رهنمودهای جدید تیم های ویژه ای سازمان داده اند تا هسته های توده ای را بدام اندازند. این تدارک جدید به همه نهادهای سرکوبگر ابلاغ شده است و هر نهادی نیز جداگانه به واحدهای خود بخشنامه ای توأم با راهنمایی صادر کرده است. از میان بخشنامه های صادر شده، بخشنامه شهربانی جمهوری اسلامی از همه خواندنی تر است. در این بخشنامه گفته شده است که توده ایها و فدایی ها نیروهای خود را سازمان داده و مخفیانه سرگرم فعالیت هستند و می خواهند شرایطی نظیر سالهای ۵۶-۵۷ را بوجود بیاورند. بخشنامه سپس به رهنمودهای لازم جهت ضربه زدن به این نیروها می پردازد. آنچه که بیش از هر چیز در این بخشنامه جلب توجه میکند واقع بینی آقایان "شهربانی چی" است. آنها یکبار حرکت مردم در سالهای ۵۶-۵۷ را دیده اند و بهمین دلیل حق دارند از تکرار آن روزها و سالها بترسند. بقیه در صفحه ۲

### تشکل و اعتصاب، تنه اراه مبارزه برای تأمین حقوق صنفی کارکنان بخش دولتی

زحمتکش که بعنوان کارمند، آموزگار، پرستار، پستی، راننده و غیره بکار مشغولند، با طبقه کارگر میهن ما دارای خواستهای مشترکی هستند و از سیاست حاکمیت مرتجع جمهوری اسلامی رنج می برند.

نزدیک به ۵ میلیون نفر از شاغلان بخش خدمات، کارمندان و کارکنان حقوق بگیر دولت هستند. این گروه بزرگ اجتماعی که عمدتاً به کار فکری اشتغال دارند و با فروش نیروی کار خود در برابر حقوق و مزایای ناچیز، زندگی سختی را می گذرانند، جزو نیروهای زحمتکش میهن ما هستند. جز عده معدودی از مقامات بالای حکومتی و روسای ادارات دولتی و وابسته به دولت که از وضع ویژه ای برخوردارند و با زد و بندها و رشوه گیری کیسه های خود را انباشته اند، اکثریت قریب به اتفاق این قشر

#### وضع کنونی حقوق بگیران

سازمانهای صنفی کارکنان ادارات و موسسات دولتی که پس از انقلاب با عنوان "شورای کارکنان" در ادارات و موسسات گوناگون بقیه در صفحه ۵

### "خودسانسوری" یا سانسور؟

کند که خدای ناکرده قلم تیز و بانفوذ روزنامه نگاری به انقلاب آسیب نرساند! (اطلاعات - ۲۸ مهر ۶۲)

بحث درباره "سانسور" و "خودسانسوری" به شیوه مرضیه "نه سیخ بسوزد و نه کباب" در روزنامه های مجاز کشور ادامه دارد. در حالی که فریاد مردم از اینهمه بی عدالتی و حق کشی به آسمان رسیده و کسی حاضر نیست زیر بار جوارو جنجال تبلیغاتی برود، کارگزاران و قلم بمزدان رژیم که خطر را بیخ گوش خود احساس می کنند، طبق معمول برای ایجاد انحراف در افکار عمومی دست بکار شده اند و این بار در توجیه سانسور حاکم بر کشور، در همه وجوه و ابعاد، فلسفه بافی می کنند. این بحث همزمان با دیدار خامنه ای، رییس جمهور، از موسسه اطلاعات قوت گرفت.

معنی دقیق گفته نخست وزیر اینست که روزنامه ها نمی توانند و حق ندارند از دایره ترسیم شده از سوی سردمداران ج.ا. پا فراتر نهند و دمل چرکین مسائل و دردهای سیاسی و اجتماعی را با افشاکری ها و پرده دربها بشکافند. "وظیفه" مطبوعات این است که سیاست ج.ا. را آنچنان که جریان ارتجاعی حاکم می طلبد مویه مو منعکس کنند، تا مبادا پایه های حکومت و موقعیت قدر قدرتان کلان سرمایه دار و بزرگ مالک "آسیب" ببینند.

چندی پیش موسوی، نخست وزیر، در گفتگوبا شورای سرپرستی روزنامه خراسان گفت: "روزنامه ها باید با هرگونه مواردی، از کم کاری یا خودکامگی برخورد کنند، ولی این برخورد به معنای تضعیف قوه اجراییه که ما در شرایط جنگ به قدرت آن نیاز داریم نیست. صحیح ترین راه برای یک روزنامه نگار اینست که با مسائل مواجه شود و در عین حال بنحوی عمل

چنین سیاستی تنها محدود به روزنامه های کشور نمیشود، بلکه در همه ابعاد زندگی، بویژه در ارتباط با افشار زحمتکش رخ می نماید. سانسور به معنی واقعی کلمه، در همه وجوه مثل بختک روی جامعه افتاده است. برخلاف قانون اساسی، تفتیش عقاید نه تنها ممنوع نیست، بلکه در شرایط کنونی هرکسی را میتوان به صرف داشتن بقیه در صفحه ۴

### وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

## دهقانان پیکار خونین خود را ...

بقیه از صفحه ۱

شده‌اند که برای برقراری سلطه جابرا نه خویش مسلحانه به روستاها یورش می‌برند و با ارتکاب انواع جنایتها، زحمتکشان روستاهای کشور را از هستی ساقط می‌کنند. نماینده اهواز به نمونه‌ای از این گستاخی در روستاهای خوزستان اشاره کرده و می‌گوید: "بندریج سروکله شیوخ فراری پیدا شده... و با حمله نظامی به روستائیان، روستا را در تسلط خود" می‌گیرند. وی از جمله به "درگیری مسلحانه مورخ ۶۲/۵/۱۴ در روستای "کعب موران" که منجر به قتل یک نفر و مجروح شدن بیش از ۲۰ نفر از روستائیان شده" اشاره کرد (کیهان، ۲۷ آذر ۶۲). نماینده اهواز این واقعیت را تایید می‌کند که رویداد مذکور محدود به یک یا چند روستا نیست بلکه یک جریان عمومی در سطح استان خوزستان است. وی با تاکید بر "تجدید تسلط مالکانه و حاکمیت سیاسی فئودالها" ابعاد و پیامدهای آن را چنین بیان می‌کند: "نتیجه این وضعیت این شده که هم اکنون در بیشتر روستاهای خوزستان و در اکثر قریب به اتفاق روستاهای اهواز مسئله شیوخ یک مسئله بحرانی شود که نتیجتاً اقتصاد و کشاورزی را فلج می‌کند و از نظر سیاسی و اجتماعی نیز بحرانها و فاجعه‌هایی را ببار می‌آورد..."

در جریان این درگیری‌ها، سران ج.ا. علی‌رغم دعوی محیلاًنه دفاع از دهقانان در عمل سیاست ارتجاعی پشتیبانی از منافع غارتگران ملاکان را در پیش گرفته و هر جا و هر قدر لازم باشد تهیدستان روستایی را پیش پای آنها قربانی می‌کنند. نماینده اهواز در ارتباط با مسئله یاد شده ضمن اشاره به عدم اجرای احکامی که برفع دهقانان بوده می‌افزاید: "فقط آن دستوری اجرا شده که گفته زمین‌ها را از روستائیان بگیری و به شیوخ بدهی و بلافاصله ژاندارمری اقدام کرده... نامه‌ای که جهاد سازندگی نوشته و گفته که حتی از این کارها فیلمبرداری کرده‌ایم، در شرایطی زمین را از روستائیان گرفتند که کشت آنها سبز شده بود، اما آنها (ماموران ژاندارمری) تراکتور آورده و زمین را بهم ریخته و آتش و لاش کرده بودند تا دوباره شیخ بیاید و در این زمین دانه بپاشد."

آنچه در روستاهای خوزستان روی داده و می‌دهد در شرایط کنونی یک جریان عمومی در مقیاس کشوری است. بازگشت خانها، استقبال رژیم از آنها، تدارک انحلال هیئت‌های هفت نفره و تضییع حقوق دهقانان یک واقعیت غیر قابل انکار اجتماعی در سراسر کشور است. در این رابطه اظهارات نماینده آقای منتظری در هیئت‌های هفت نفره، همزمان با یورش مسلحانه فئودالها به روستای "کعب موران" خوزستان جلب توجه می‌کند: "برخی از روستائیان به علت فعالیت روی اراضی کشت موقت - به استناد بخشنامه شورای عالی قضایی - هنوز در زندان بسر می‌برند... حتی بعضی از اعضای هیئت‌های واگذاری زمین را تحت تعقیب قرار داده و یا بازداشت

## شهریانی جمهوری اسلامی ...

بقیه از صفحه ۱

سالهای ۵۶ - ۵۷ چه بود و چه شد که آقایان از تکرار آن می‌ترسند و چه شده است که رویدادهای امروز (سال ۶۲) سالهای ۵۶ - ۵۷ را تداعی می‌کند؟

پاسخ بسیار کوتاه و موجز است: مردم به ستوه آمده بودند. زبان به اعتراض گشودند. در کوی و برزن - خانه و کارخانه - مزرعه و ده با یکدیگر به چاره جویی نشستند. دیده‌ها و دانسته‌های خود را روی هم گذاشتند و بعد م دستهایشان را بهم دادند و قدمهایشان را یکی کردند. ادامه فقر و دزدی و غارت و ستم و استبداد امکان نداشت و باید سینه‌ها را در مقابل رژیم خائن شاهنشاهی سپری کردند و راهش را می‌بستند (که بستند). رژیم پوسیده و نوکر صفت و ضد ملی شاهنشاهی چون بید بر سر قدرت خویش میلرزید ولی دیگر ادامه خیانت و فریب توده‌های مردم امکان نداشت.

آن ایستادگی مردانه و جانانه مردم و این قدرت پوشالی و به گنداب تاریخ نزدیک شده، در رویارویی با یکدیگر یک حاصل میتوانست داشته باشد: انفجار رژیم شاهنشاهی.

نقش نیروهای مترقی و طرفدار حقوق زحمتکشان و از آنجمله حزب توده ایران در این انفجار کتمان ناپذیر است. شهریانی جمهوری اسلامی امروز حق دارد به یاد دیروز بیافند. شباهت‌ها ناگزیر است و اگر نتیجه هم ناگزیر باشد (که خواهد بود) سرنوشت آنها که به انقلاب مردم خیانت کردند با سرنوشت آنها که یکشنبه زاهد و مسلمان شدند و در خدمت خائنین به انقلاب نیروهای سرکوبگر شاهنشاهی را تجدید سازمان دادند یکی نخواهد بود؟

حالا، فرض کنیم که آقایان در مدرسه بودند و درس طلبگی می‌دادند و می‌دیدند و کمتر در خیابان بودند، اینها (شهریانی‌چی‌ها) که در شهرها و در خیابانها بوده‌اند و دیده‌اند، که

کرده‌اند و برای اینکه فلان مالک فراری بتواند به خواسته‌های خودش برسد" (کیهان، ۲۴ تیر ۶۲).

واقعیتها یاد شده موبد ماهیت ارتجاعی و ضددهقانی رژیم ج.ا. است که امروز بر همه وعده‌های دیروز خود پشت پا زده و با زحمتکشان روستایی به گونه‌ای رفتار می‌کند که رژیم ستشاهی رفتار می‌کرد. دهقانان ستمکش میهن ما که فدای منافع آزمندانه زمینداران غاصب شده‌اند وعده‌های طلایی آقای خمینی را در جریان انقلاب خوب بیاد دارند" غالباً اربابان دلیلی بر مالکیت جز سند قلابی و تصرف عدوانی نداشته‌اند و یا آنقدر ظلم از طرف ارباب شده و اموالی از کشاورزان گرفته‌اند که کشاورز میتواند زمینها را بابت طلب خود از ارباب تملک نماید. چه بسا در مواردی لازم باشد پولی که بابت بهای ملک از کشاورز گرفته شده به او پس داده شود". اما آنچه امروز در روستاهای کشور ما روی می‌دهد درست در نقطه مقابل این وعده است. این تصور که دهقانان ستم‌دیده میهن ما دگر بار

چگونه حوادث بسرعت شکل گرفت و مردم سنکر به سنکر پیش آمدند تا ساختمان مرکزی شهریانی را هم تسخیر کردند و آقایان را گروه گروه کت بسته و خلع سلاح شده در مسجد "مادر" واقع در انتهای خیابان فردوسی زندانی کردند.

اسلاف آقایان شهریانی چی (که به یقین امروز مشیر و مشار آقایان خائنین به انقلاب هستند و در نان و خون سفره خیانت شریکند) روز تسخیر شهریانی را همانقدر بخاطر دارند که چهره رزمندگان توده‌ای - فدایی و مجاهد را. تعدادی از این رزمندگان روی بازوانشان آرم سازمانی داشتند).

این بخشنامه آقایان روی دیگری هم دارد.

آقایان شهریانی چی تازه مسلمان شده که این روزها محرمانه ترین بخشنامه‌ها و دستورهایشان از رادیوی سلطنت طلبها پخش میشود، به هدایت و راهنمایی اسلاف و فرماندهان سابق خویش باید تلاش کنند تا همزمان با اوچگیری نارضایی مردم از رژیم اسلامی، نیروهای مترقی و طرفداران آرمانهای انقلاب و از جمله حزب توده ایران مشعل نجات انقلاب را فراروی مردم نگه‌بند. آنها امهدارند بتوانند میوه چین نارضایی روزافزون توده‌های مردم از رژیم اسلامی باشند.

حزب توده ایران با استناد به همین بخشنامه و بیم و نگرانی که در آن نهفته است به همه نیروهای مبارز و حزبی تاکید می‌کند تا هر چه دقیق تر هسته‌ها و سلولهای مستقل خود را تشکیل دهند و با رهبری حزب ارتباط برقرار کنند. نیروی دشمن را باید تقسیم کرد تا از ضربه پذیری کاست و ضمناً از انتقال ضربه از یک گروه به گروه دیگر جلوگیری کرد. طرح عدم تمرکز و فعالیت سلولهای مستقل به گونه‌ای باید باشد که دشمن مجبور شود نیروی خود را تقسیم کند و از همین رهگذر است که توان تعقیب و مراقبتها کم می‌شود. اوچگیری نارضایی مردم از رژیم نیز امکان شناسایی و دستگیری نیروهای رزمنده را روز به روز بیشتر کاهش می‌دهد. ●

به فعال مایشایی و یکه تازی خانها در روستاها گردن نهند پوچ و بی اساس است. آنها که در جریان زندگی و تجربه ستم فئودالها را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس کرده‌اند هرگز زیر بار زنجیر اسارت نظام بزرگ مالکی مورد حمایت رژیم ج.ا. نخواهند رفت. زحمتکشان روستایی علی‌رغم سرکوب و زندان، دوش بدوش طبقه کارگر و دیگر اقشار مترقی اجتماعی به پیکار خود ادامه داده و سرانجام به حقوق حقه خویش دست خواهند یافت.

در تایید این واقعیت است که نماینده اهواز می‌گوید: "در صورت تداوم سیاست تضییع حقوق دهقانان و حمایت از زمینداران" ما با مشکلات سیاسی و اجتماعی روبرو خواهیم شد که به این سادگی قابل حل و فصل نخواهد بود". آری دهقانان زیر بار نظام بزرگ مالکی و رژیم ج.ا. نخواهند رفت و با نبرد متحد خویش مشکلاتی را که ملاکان تحت حمایت سران ج.ا. موجدانند حل خواهند کرد. ●

### افشای چهره ضد مردمی رژیم، دردوسند

مبارزه دهقانی در کشور ما پیشینه طولانی دارد. این مبارزه خونین در دوران اخیر به اوج خود رسیده است.

دهقانان میهن ما در زمان حکومت وابسته ستمشاهی توانستند رژیم را وادار به عقب نشینی کرده و بخشی از حقوق خود را از حلقوم مالکان و زمین داران بزرگ بیرون بکشند. اما رژیم ولایت فقیه می کوشد آنچه را که دهقانان به چنگ آورده اند از چنگشان بدر آورد و تقدیم زمینداران کند. رژیم حتی قانون نیم بند اصلاحات ارضی را که نتیجه مبارزه پیکیر دهقانان است "مغایر با موازین شرعی" دانسته و لغو آن را "سریعا" اعلام می کند.

بی آن که نیازی به توضیح اضافی باشد، انتشار دو سند؛ اولی نامه آیت الله خادمی به شورای نگهبان و دیگری نامه شورای نگهبان به وزارت کشاورزی، واقعیت را آنچنان که هست، برملا ساخته و نقاب تزویر از چهره ضد مردمی این رژیم بر می دارد.

### نامه اول

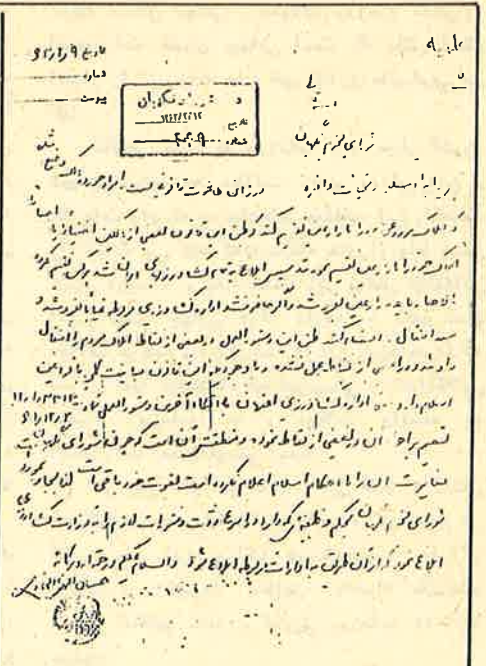
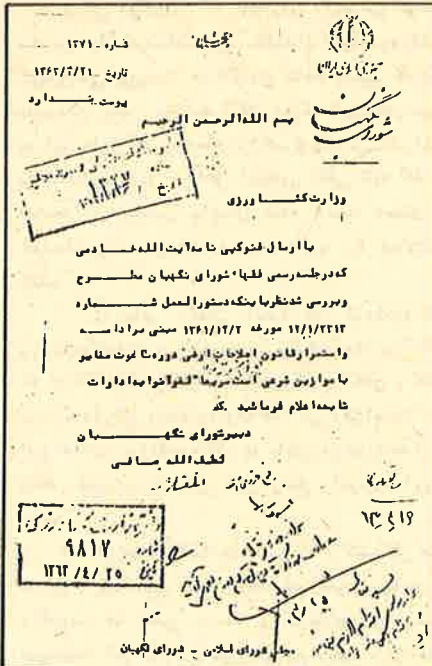
شورای محترم نگهبان  
پس از ابداء سلام و تحیات وافره، در زمان طاغوت قانونی نسبت به افراد خرده مالک (۱) وضع شده که املاک مزروعی خود را با زارعین تقسیم کنند که طبق این قانون بعضی از مالکین اختیاراً یا اجباراً املاک خود را با زارعین تقسیم نمودند. سپس ابلاغ به تمام کشاورزی های

### نامه دوم

و بمورد است شورای محترم نگهبان به حکم وظیفه ای که دارد در اسرع وقت دستورات لازم را به وزارت کشاورزی ابلاغ نموده که از آن طریق به ادارات مربوطه ابلاغ شود. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته - حسین الموسوی الخادمی

وزارت کشاورزی

با ارسال فتوایی نامه آیت الله خادمی که در



### علیه سیاست ضد ملی ...

آموزش و درمان و حدود ۲۵ میلیارد تومان دیگر از طریق دریافت شهریه از دانش آموزان صرفه جویی کند. افزون بر این، رژیم ولایت فقیه که در آستانه ورشکستگی کامل مالی قرار دارد، دزصده است ۱۱ میلیارد تومان سوسیدی را که برای تثبیت بهای کالاهای ضروری پردازد، حذف کند.

ناگفته پیداست که همه این تدابیر ضد خلقی ضربه ایست بر میلیونها ایرانی کم درآمد و با درآمد ثابت که هم اکنون نیز فشار عمده گرانی سرسام آور و تورم بی بند و بار بردوش آنها سنگینی می کند. در صورت تحقق این سیاست ضد ملی هر ایرانی، از کودک شرفروخته تا پیرمرد صدساله باید علاوه بر مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم کمرشکن، سالانه ۶۰۰ تومان به عنوان خراج به خزانه دولت بپردازد.

و این در شرایطی است که دولت به سهولت میتواند کسر بودجه عظیم سال ۶۴ را از طرق دیگر تامین کند. یکی از این طرق پایان دادن به جنگ نافرجام و بی حاصلی است که سالانه بیش از ۴۹ درصد بودجه کشور را می بلعد. مردم میهن ما تقریباً هر روز نفرت خود را از ادامه جنگ که باعث کشتار فرزندان آنها و خرابی شهرها و روستاها میشود، بطریقی ابراز می دارند. قطع جنگ می تواند صدها میلیارد تومان را که صرف خرید تسلیحات می شود و منبع درآمد کلان برای عده ای از سردمداران رژیم است، در مجرای تولیدی قرار دهد که هم ایجاد کار برای بیکاران خواهد کرد و هم به کسری بودجه پایان خواهد داد. طریق دیگر، اخذ مالیات بر درآمد از صاحبان ثروت کلان است. طبق آمار رسمی نقدینگی بخش خصوصی در سال ۶۴ به ۸۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است. این ثروت عظیمی است که حتی تصور آن مشکل است. چه مقدار از این پول، که از طریق احتکار و گرانیفروشی بدست آمده، به عنوان مالیات بردارآمد به خزانه دولت واریز شده است؟

از مذاکراتی که اخیراً پیرامون لایحه مالیاتی انجام شد، عیان گردید که کلان سرمایه داران با تمام قوا از پرداخت مالیات بردارآمد خودداری می کنند. عده زیادی از روحانیون حاکم نیز بدون ذره ای شرم با استناد به قرآن و روایات فقه و غیره از غارتگران بنام سرمایه دار حمایت می کنند.

در مقابل این تجاوز آشکار به حقوق توده های مردم چه باید کرد؟ موج اعتراض سراسر کشور را فراگرفته است. ولی اعتراضات جدا جدا نمی تواند به نتیجه مطلوب برسد. وظیفه نیروهای ملسی و مترقی است که این اعتراض ها را سازمان دهند. می توان و باید از طریق تظاهرات والدین، دانش آموزان، دانشجویان و نیز اعتصابهای کارگران و کارمندان به خاشنین به مصالح توده های زحمتکش پاسخ دندان شکن داد. فقط با مبارزه متحد و متشکل می توان سران رژیم را مهار کرد. حق گرفتاری است نه دادنی.

جلسه رسمی فقهاء شورای نگهبان مطرح و بررسی شد نظر به اینکه دستورالعمل شماره ۱۲/۱/۳۳۱۲ مورخه ۱۳۶۱/۱۲/۲ مبنی بر ادامه و استمرار قانون اصلاحات ارضی دوره طاغوت مغایر با موازین شرعی است سریعاً لغو آن را به ادارات تابعه اعلام فرمائید.

دبیر شورای نگهبان - لطف الله صافی

خوانندگان عزیز!  
به این نشانی با ما مکتب کنید:  
P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

## "خودسانسوری" یا سانسور؟

بقیه از صفحه ۱

عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد. بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس به امری روزمره تبدیل شده است. احزاب، جمعیت ها، انجمنهای سیاسی و صنفی، حتی برخی از اقلیت های دینی شناخته شده و مورد تأیید جمهوری اسلامی، نه تنها آزاد نیستند، بلکه مورد هجوم وحشیانه رژیم قرار گرفته اند و اصول استقلال، آزادی و وحدت ملی به بدترین وجهی پایمال ستم خودکامگان شده است. در جمهوری اسلامی حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و ناموس اشخاص از تعرض مصون نیست و در فقدان امنیت، اوباشان می توانند وقت و بی وقت و در هر موقعیتی، هر بلایی که بخواهند بر سر مردم بیاورند. نیازی به یادآوری جنایات رژیم نیست. سردمداران ج.ا. خود بهتر میدانند که چقدر انسانهای بیکانه را که پا از دایره حدود تعیین شده بیرون نهاده اند، شکنجه، اعدام، زندانی و یا ناگزیر به جلای وطن کرده اند....

چندی پیش مجله "سروش" از قول یکی از اعضای شورای سردبیری مجله زن روز نوشت: "بصورت کلی مطبوعات در جمهوری اسلامی حد و مرز مشخص دارند که نباید از آن پا فراتر بگذارند و گرنه محکوم به سانسورند. یعنی در جامعه ما حرکت در جهت مخالف با نظام و اعتقادات جامعه و رهبریت، محکوم و مردود است. از سویی انعکاس هرآنچه هست از سوی مطبوعات تا آنجا که به ذکر واقعیات سری و محرمانه منجر شود که انعکاس آنها خطرناک و برخلاف مصالح کشور است، عملی ضدانقلابی و محکوم به سانسور است...."

آری مسئله سانسور حاکم بر کشور را در چنین چارچوبی باید ارزیابی کرد. همین که آقای خمینی اعلام می کند که "مسئله اصلی جنگ است" و مخالفت با جنگ را مخالفت با اسلام تلقی می کند، روزنامه هایی که هنوز با وقاحت تمام لقب "انقلابی" را هم با خود به یدک می کشند، دم فرومی بندند. سخنان آقای خمینی چنان آبی که بر آتش ریخته باشند همه مسئولین و دست اندرکاران را ناگزیر به سکوت می کند. کار به جایی می کشد که مثلاً اگر نماینده ای شجاعت کند و در مجلس بخواهد در این باره اظهار نظر کند، باید دنیا ترس و تردید و دودلی، برای اینکه مبادا چوب تکفیر بخورد ضمن اعتراض به این که چرا بخش مهم بودجه کشور را تنور جنگ می بلعد، ناگزیر از بیان این دروغ میشود که "البته همانطور که امام فرموده اند، جنگ مسئله اصلی است...." و بدین ترتیب خود را خلع سلاح می کند. انعکاس این واقعیت را در روزنامه های کشور به شکلی ملموس تر می بینیم. یکی از اعضای شورای

سردبیری "کیهان" می گوید:

"زمانی که شرایط جنگی بر جامعه حکمفرما باشد... بطور کلی (باید) از طرح مسائلی که جنگ را تحت الشعاع قرار می دهد پرهیز نمود. بنابراین مطبوعات برای پرداختن به بسیاری از ضعفها و مشکلات و نارسایی های جامعه با مسئله جنگ مواجه هستند و مراقبند که جنگ تحت الشعاع آنها قرار نگیرد". چرا؟ معلوم نیست! در چارچوب همین دیکتاتوری "محسن آرمین" مدیر کل مطبوعات و نشریات داخلی وزارت ارشاد در گفتگو با کیهان اعتراف می کند که: "اگر کوچکترین انتقادی به کار فلان ارگان یا نهاد انقلابی و یا وزارتخانه ای در مطبوعات صورت بگیرد بلافاصله این ابهام را بوجود می آورند که این امر مخالف نظام و ولایت فقیه است".

اما کارگزاران رژیم می کوشند با هزار نیرنگ و لغظی این واقعیت را از دید مردم بپوشانند. سرحدی زاده، وزیر کار و مدیر روزنامه صبح آزادگان که خود یکی از سلسله جنبانان رژیم ضد مردمی است، برای فریب افکار عمومی می گوید: "اگر روزنامه ها در چارچوب نظام روش انتقادی داشته باشند این مسئله مورد بهره برداری گروههای ضدانقلاب چه در داخل و چه خارج قرار می گیرد".

برخی دیگر از کارگزاران رژیم می کوشند سانسور را "خودسانسوری" قلمداد کنند. روزنامه کیهان می نویسد: "هم اکنون شاهد هستیم که یک نویسنده، یک روزنامه نگار و یک خبرنگار صرفاً به این دلیل که واهمه دارد امری مقدس (ا) را زیر پا بگذارد و یا حداقل اینطور تلقی شود که در جامعه امر مقدس پایمال شده است دست به خودسانسوری می زنند و مطلب را بیان نمی کنند".

و جای شگفتی است که گردانندگان روزنامه کیهان در چارچوب وظیفه "مقدس" خود که همانا حراست از منافع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران باشد با وقاحت می افزایند: "در این حالت روزنامه نگار با مانعی برخورد ندارد، بلکه خود به تنهایی این وضع را بوجود آورده است".

اما در عرصه تضادهای موجود و کشمکش های درون و بیرون حاکمیت، خودبخود بسیاری از واقعیت ها بطور چسته و گریخته رو میشود. نویسنده اطلاعات با عبور از خم و هزار اما و اگر و فلسفه پافی های معمول برای گریز از واقعیت، بالاخره دل به دریا می زند و می نویسد: "ما تنها نمی خواهیم از چیزی بنام خود سانسوری سخن بگوییم. سخن گسترده تر از آن خواهد بود".

نویسنده اطلاعات در همین مقاله، تحت عنوان "مسائل مطبوعات" می نویسد: "اگر ما بخواهیم همیشه گرفتار این ملاحظات بشویم و "دشمن" برای ما عملاً بصورت یک اصل و معیار در آید، هیچ کاری را نخواهیم توانست به سامان برسانیم و هیچ مسئله ای را نه در مجلس و نه در نطقهای مسئولین و نه در هیچ جای دیگر

نخواهیم توانست مطرح کرد". نویسنده اطلاعات تأکید می کند که: "مسئله و مشکل وقتی در عالم واقعیت موجود باشد بالاخره از این سوی و آن سوی خود را نشان می دهد و خودبخود در افواه مطرح میشود".

بیان این نقل قول ها و فاکت ها خودبخود زمینه درک واقعیات را بخصوص در زمینه سانسور زبان و قلم فراهم می آورد و بی آن که نیازی به شرح و تفسیر اضافی باشد خواننده آگاه و واقعیت را آنطور که هست درک می کند. اما نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، سلطه امپریالیسم خبری و منابع داخلی وابسته به آن بر مطبوعات کشور است. سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی در گفتگو با خبرنگار "کیهان" می گوید:

"خبرها در انحصار خبرگزاری ج.ا. و دفتر مرکزی خبر است و خبرنگارها در مواقع حساس به مراکز مهم خبری راه ندارند".

روزنامه کیهان می نویسد: "هم اکنون روزنامه ها و بطور کلی مطبوعات نوشتنی و تصویری و گفتاری برای انعکاس اخبار به دو منبع عمده خبری در داخل کشور و خبرگزاری های بزرگ بین المللی (بخوان، امپریالیستی) تکیه می کنند".

رضایی، عضو شورای سردبیری اطلاعات در گفتگو با کیهان می گوید: "این سیستم... در زمینه مسائل جهانی و تحولات روزمره متکی به انحصارات خبری جهانی است که بخش اعظم اخبار را از رسانه ها و خبرگزاری های غربی می گیرد".

نگاهی گذرا به روزنامه های مجاز کشور، همچنین توجه به مطالب رادبو و تلویزیون و نشریات وابسته به نهادهای مختلف، این واقعیت را اثبات می کند که: دستگاه های ارتباط جمعی کشور در دست و بلااستغناء زیر پوشش تبلیغاتی امپریالیسم جهانی قرار دارند و منبع تمام مقالات ترجمه و منتشر شده در این روزنامه ها که اساس آنها تبلیغات ضد کمونیستی و ضدانقلابی است، روزنامه ها و مجلات وابسته به انحصارات امپریالیستی است.

در عین حال خبرهای داخلی فقط از کانال خبرگزاری جمهوری اسلامی واحد مرکزی خبری می گذرد. در این مراکز درست بشیوه ساواک آریامهری خبرها مطابق دلخواه "مقامهای امنیتی" تنظیم شده و تحویل روزنامه ها داده میشود.

و بدین ترتیب واقعیت وجود سانسور و اختناق در جامعه ما روز به روز آشکارتر میشود. اما باید به یاد داشت که مردم ما هنوز خاطره اعتصابهای شکوهمند مطبوعات را قبل از پیروزی انقلاب فراموش نکرده اند. در آن شرایط خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات به اتکاء مبارزه جمعی علیه سانسور و اختناق تودهنی محکمی به رژیم ستمشاهی زده و سبب عقب نشینی آن شدند. امروز نیز چنین انتظاری می رود.



## تشکل و اعتصاب، تنه‌اره مبارزه برای تأمین حقوق صنفی کارکنان بخش دولتی

بقیه از صفحه ۱

تشکیل شده بودند، در اثر سیاست تشکل ستیزی سران ج.ا. قلع و قمع گردید و "انجمن های اسلامی"، یعنی چشم و گوش های ارتجاع حاکم، اکنون تنها تشکل مجاز در ادارات دولتی است.

سطح درآمد واقعی حقوق بگیران بعلت افزایش روز افزون هزینه زندگی و ثابت نگهداشته شدن دریافتی ماهانه آنان بشدت کاهش یافته است. امنیت شغلی آنان بازیچه دست مقامات حکومتی است.

در دوران پس از انقلاب، بویژه از سال ۱۳۵۹ به بعد، عناصر انقلابی و فداکارترین کارمندان موسسات دولتی، "پاکسازی" و "تصفیه" شدند. مرتجعین حاکم هر روز به مناسبتی این قشر زحمتکش را مورد اهانت قرار داده و آنان را "مفتخور" و "بیکاره" می‌نامند.

دریافتی ماهانه کارمندان به دو جزء حقوق ثابت و مزایای شغلی تقسیم شده است. بهنگام بازنشستگی و یا ترمیم سالانه حقوق، بخش حقوق ثابت ملاک قرار می‌گیرد، در حالیکه مالیات و حق بیمه از مجموعه دریافتی آنان کسر می‌شود.

تعاونی‌های مصرف و مسکن کارمندان نیز در معرض انواع تضییقات قرار دارند. بنابر آمار دولتی، در سال ۱۳۶۰ تنها ۷۴۲۹۰ تن از افراد این قشر زحمتکش مشمول قوانین استخدام کشوری بوده‌اند. وضعیت استخدامی بقیه بصورت پیمانی، خرید خدمتی، موقت و روزمزد است که از امنیت شغلی پرتاب کمتری برخوردار است.

فقط ده درصد از مشمولین قوانین کشوری که تحصیلات لیسانس و بالاتر دارند دارای درآمد نسبتاً کافی هستند. نود درصد بقیه در شرایط فقر زندگی می‌کنند و حقوق و مزایای آنان در حدی است که امکان برخورداری از حداقل زندگی را از آنان و خانواده‌هایشان سلب کرده است.

### افزایش حقوق، خواست عمده کارمندان زحمتکش

کارمندان برای دفاع از حقوق صنفی خود به اشکال گوناگون مبارزه می‌کنند و موفق شده‌اند خواست خود را برای افزایش حقوق در سطح جامعه منعکس کنند. مراجعه به مقامات مسئول، نوشتن نامه به آنان و مطبوعات، کم کاری و در مواردی تجمع اعتراض آمیز در محیط کار شیوه اصلی مبارزه آنان در این مرحله است.

بعلت وسعت اعتراضات و مبارزه مستمر کارمندان، روزنامه جمهوری اسلامی مجبور به اعتراف شد که "افزایش سریع هزینه جنگ و تاثیر آن در قیمت اقلام قابل توجهی از کالاها و ثابت بودن سطح حقوق و درآمد کارمندان دستگاههای دولتی در چند سال اخیر، قدرت خرید این طبقه را روز بروز تنزل می‌دهد" (۲۸ مرداد ۶۲).

در مقابل موج نارضایی کارمندان، رئیس

## درد مردم در "نامه مردم"

آنچه میخوانید قسمتهایی از یک نامه رسیده است. این نامه را برادری از ایران برای برادری که جان سلامت برده و خود را به خارج رسانده نوشته است. ما بدون اضافه کردن کلمه‌ای به این نامه و تنها با حذف قسمتهایی از آن که مربوط به امور خانوادگی است نامه را چاپ می‌کنیم؛

"...خواهرت متأسفانه بعلت اینکه کلاسهای آمادگی پولی شده‌اند فعلاً خانه نشین شده. دو سالی بود که خودش را برای مدرسه آماده می‌کرد. از این بابت خیلی پکر است و حسابی از دست ... عصبانی. باید ۴۸۰۰ تومان بابت شهریه با اضافه ۲ هزار تومان سرویس و با اضافه لباس و غیره داد. حساب کن چه رقم کمرشکنی برای امثال ما خواهد شد... از بچه‌های هم محله‌ای بگویم. اکبر که دو هفته بود به جبهه رفته بود جسدش برگشت. جعفر عینکی هم در جبهه گم شده است. میگویند شاید اسیر شده باشد. طفلک مادرش. بچه ناصر آقا هم چون گویا با گروهها کاری کرده به زندان برده شد. مادرش دیروز پس از ۴ ماه ملاقاتش کرد. در این بین جمشید و خواهرش از کشور خارج شدند تا جایی در یک گوشه دنیا به درس و مشقشان برسند اما جبر رسیده که در ترکیه علافند. علی پسر همسایه روبرویی هم که در دانشگاه قبول شده بود رفت برای امتحان ایدئولوژیک و رد شد. فعلاً خانه نشین است و منتظر است تا به سربازی برود. آقا مرتضی هم دختر ۱۵ ساله اش را شوهر داد به یک بازاری ۴۵ ساله... الان ساعت یازده صبح است. مادر از صبح ساعت ۶ رفته خرید اما هنوز برنگشته. همسایه بغلی خبر آورد که فعلاً توی صف مرغ است و تا یکی دو ساعت دیگر نوبتش میشود. این کار هر روز است. صف و صف...

### بررسی شبانه

نامه زیر نیز از ایران بدستمان رسیده است که با حذف چند نام عیناً آنرا چاپ می‌کنیم. "چندی پیش همسری یکی از شهدای سوسنگرد به یکی از حجج اسلام این شهر مراجعه و تقاضای کمک می‌کند. این مراجعه چند بار ادامه می‌یابد تا آنکه بعد از مدتی حجت الاسلام قول می‌دهد خودش شخصا به مشکل معیشتی این زن رسیدگی کند و فردای روزی که وعده داده بود حوالی ساعت ۱ بامداد به خانه همسر شهید مراجعه میکند و میگوید که چون در طول روز وقت نداشته حالا آمده است. همسر شهید با تردید و تعجب جناب حجت الاسلام را به خانه راه میدهد اما بلافاصله متوجه میشود که ایشان بمنظور دیگری آمده است و در نتیجه به حیاط خانه فرار میکند. حجت الاسلام که در حیاط خانه دنبال همسر شهید میدوید یک پایش در چاهک وسط حیاط فرو می‌رود و گیر می‌کند. بقیه در صفحه ۶

دیوانعالی کشور، مثل همیشه با دادن وعده سر خرمن کوشید جلوی گسترش اعتراضات را بگیرد. وی گفت: "وضع کارمندان به حدی رسیده است که امکان ندارد با این حقوق زندگی کنند. باید برای آنها فکر اساسی کرد".

البته باید در نظر داشت که سران ج.ا. از این قبیل "فکرهای اساسی" بسیار کرده‌اند اما تا بحال چیزی نصیب کارمندان و دیگر کارکنان بخش دولتی نشده است. و اگر چندر غازی احتمالاً به حقوق آنان اضافه شده باشد در برابر تورم و موج عظیم گرانی دردی را از آنان دوا نکرده است.

سران ج.ا. برای حل مسئله به فکر افتاده‌اند که تعداد کارکنان بخش دولتی را به حداقل تقلیل دهند. به روشنی می‌توان دید که در صورت اجرای چنین سیاستی، بخش مهمی از کارمندان دولت نیز به اردوی بیکاران خواهند پیوست.

وقتی کارمند اداره پست و تلگراف و تلفن می‌پرسد: "چرا به وضع حقوق کارکنان و کارمندان امور تلفن شهری رسیدگی نمی‌شود و کارکنان این اداره با فقر مالی روبرو هستند؟" وزیر مربوطه پاسخ می‌دهد: "اگر کار ۲ نفر را یک نفر انجام دهد قاعدتاً صرفه جویی در هزینه‌ها شده و باعث پرداخت حقوق بیشتر به یک کارمند می‌شود" (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۲ ر ۹۱ ۶۲). بدین ترتیب تشدید آهنگ کار بميزان ۲ برابر و به مخاطره افکندن امنیت شغلی دوسوم کارکنان اداره مخابرات راه حل "هوشیارانه" وزیر برای حل مشکل حقوق بگیران است.

یکی از کارکنان کتابخانه "دستغیب" با پرسش از وزیر ارشاد اسلامی، مدعیان "عدالت اسلامی" را رسوا می‌کند: "با داشتن ۴ سرعائله و یازده سال سابقه، تنها دو هزار و شصت تومان حقوق دریافت میدارم. علاوه برآنکه سیصد تومان آن بابت بازنشستگی و بیمه و غیره کسر می‌گردد، در حالیکه مشکل مسکن به قوت خود

باقی است. لطفاً بفرمائید در این مورد وزیر ارشاد اسلامی چه اقداماتی انجام داده است" (جمهوری اسلامی ۱۴ ر ۹۱ ۶۲). و آقای وزیر می‌گوید: "البته همانطوریکه امام فرموده‌اند و خود دولت هم متوجه می‌باشد، واقعا یکی از مستضعف ترین اقشار جامعه ما کارکنان دولت هستند که امیدواریم امور اداری و استخدامی، دولت و مجلس در این زمینه اقداماتی که بتواند رفع نیازهای این عزیزان زحمتکش را بکند انجام دهند".

اما اینها فقط وعده‌های خشک و خالی است. کارمندان دولت دیگر نمی‌توانند به صرف "فرموده امام" و "با امیدواری" وزرا به حل این مشکلات، زندگی کنند. آنها خواهان اقدامات عملی برای افزایش سطح حقوق خود هستند و در این راه مبارزه می‌کنند.

### شرط پیروزی حقوق بگیران

هم اکنون خواست افزایش حقوق به امر

بقیه در صفحه ۶

## باشکست "انقلاب فرهنگی" جنبش دانشجویی رو به اوجگیری و گسترش است

به فرمان آقای خمینی "ستاد انقلاب فرهنگی" یعنی مجری سیاست ضد فرهنگی، ضد دانشگاهی و ضد دانشجویی رژیم، منحل و پرویرانه آن سنگ بنای "شورای عالی فرهنگ" زیر نظر رییس جمهور و روسای سه قوه گزارده شد. اگرچه خامنه ای ادعا می کند که "ستاد" و "شورا" در هم ادغام شده اند، نبود صحنه گردانان "ستاد انقلاب فرهنگی" در "شورای عالی فرهنگ" دلیل پرنادرستی ادعای اوست. بدین ترتیب شکست سیاست "انقلاب فرهنگی" رسماً اعلام میشود.

این تغییر و تحول نتیجه دگرگونی کیفی سیاست ج.ا. در ارتباط با مسئله دانشگاه و دانشجو نیست. در حقیقت "شورای عالی فرهنگ" روی دیگر سکه "ستاد انقلاب فرهنگی" است و همان سیاست را با پوشش صلح و مصالحه و دلجویی از دانشگاهیان و دانشجویان دنبال می کند. و نیز ج.ا. که بوی خطر را از جمله از ناحیه دانشجویان استشمام کرده است، میکوشد تا با تقویت مهره های خود در دانشگاه، در لافاف "وحدت حوزه و دانشگاه" مبارزات سیاسی دانشجویان را مهار کند، که آن هم ممکن نیست. دانشجویان خیلی خوب دریافته اند که چننه سردمداران ج.ا. و مجریان "انقلاب فرهنگی" خالی تر از آست که بتواند پاسخگوی نیازهای عمومی جامعه و به تبع آن دانشجویان باشد. فی المثل مدتهاست که در دانشگاههای کشور از "اقتصاد اسلامی" صحبت میشود، اما هنوز معلوم نیست که "اقتصاد اسلامی" چیست؟ و آیا میتواند مطابق وعده هایی که داده میشود برآورنده نیازهای زحمتکشانش باشد، یا نه؟ دانشجویی می نویسد: "اگر جوانان دانشگاهی با اقتصاد اسلامی آشنایی نداشته باشند، ضمن اینکه در مقابل مکاتب مادی خلع سلاح می شوند، چیزی از برنامه های اقتصاد اسلامی ندارند تا در مقابل انحرافات احتمالی بایستند و یا طرح و برنامه بدهند" (اطلاعات، ۲۲ مرداد).

رهبران جمهوری اسلامی پاسخی برای اینگونه گفته ها و نوشته ها ندارند. اما دانشجویان به تجربه دریافته اند که معنی و مفهوم "اقتصاد اسلامی" مورد ادعا، همان اقتصاد سرمایه داری است. بی دلیل نیست که دانشجویی می نویسد: "امروز اینگونه بازگشت سرمایه داران باعث ایجاد سؤال و شبهه در ذهن جوانان مومن و متعهد و صادق گردیده که اگر ادامه یابد باعث سرخوردگی آنان از نظام میشود" (اطلاعات، ۲۷ مرداد).

همچنین دانشجوی دیگری عنوان می کند: "هنگامی که می بینید فلان زمین به فلان خان داده میشود و یا فلان سرمایه دار دوباره به سرکار بر می گردد، دانشجو باید روی این مسائل کار کند و اگر نتواند، گروهها... مسائلی را در ذهن او القاء می کنند و مسلماً این امر مشکلاتی برای جامعه ایجاد خواهد کرد" (اطلاعات، ۱۰ آبان). این بیانات و نظریات تنها محدود به چند نفر

دانشجو نمیشود. امروزه پای صحبت هردانشجویی - اعم از مسلمان یا غیر مسلمان - بنشینیم، از همان دست می گویند که به آن اشاره شد. باید گفت که علیرغم همه بگیر و ببندهای رژیم، گرایش عمومی جنبش دانشجویی به سمت نیروهای مترقی است. آنها می دانند که گره کور مشکلات و مسائل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور سرانجام با دست این نیروها باز خواهد شد. همین مسئله سبب شده است که سردمداران ج.ا. پیش از پیش متوحش شوند.

خامنه ای، رییس جمهور، در جمع دانشجویان و استادان می گوید:

"در دانشگاه وظیفه اصلی ما این است که دانشگاه را دینی بکنیم و به آن جهت بدهیم". خامنه ای مخالفین سلطه روحانیت بردانشگاه و از جمله مسلمانان پیرو نظریات دکتر شریعتی را شدیداً تهدید می کند و با تمسخر سخن از کسانی می گوید که در دانشگاه "اسلام بدون روحانیت را تبلیغ می کردند و با این که معتقد به دین بودند ولی به دانشمندان اسلام باور نداشتند و معتقد نبودند که صاحب نظران روحانی باید شیوه درست فقاقت را تشخیص بدهند".

درنمایه این مقدمه چینی ها و بحث های دامنه داری که روزنامه های مجاز کشور پراه انداخته اند، تحمیل "فقاقت" و "ولایت" روحانیون از توده جدا شده و به دشمن پیوسته بر دانشگاه و خنثی کردن پیکار دانشجویان در روند مبارزه زحمتکشان کشور و نیروهای مترقی است. روحانیت راستگرای حاکم معتقد است که دانشجویان ندارد با مغز خود ببندید و راه را از چاه تشخیص بدهد، بلکه باید گوش به زنگ فتوای "ولایت فقیه" باشد.

چرا این بحث ها در گرفته است؟ خامنه ای ادعا می کند:

"اگر دین به علم جهت ندهد ما شاهد خواهیم بود که با وجود پیشرفت سریع علم و دانش هنوز افرادی از گرسنگی می میرند".

نخست وزیر می گوید: "چربیدن جو سیاسی بر جو فرهنگی (دانشگاه) بیماری خطرناکی است که باید در سطح ملی متوجه آن بود".

خامنه ای می افزاید: "دانشجویان با این که در امور سیاسی پیشگام بوده و هستند باید امور مربوط به دانشگاه را از سیاست جدا بکنند".

احمدی، سخنگوی "ستاد انقلاب فرهنگی" در گفتگو با خبرنگار اطلاعات اظهار نظر می کند: "مسائل سیاسی مقداری محل لغزش می باشد. یعنی کسی وقتی وارد انتخابات شد می خواهد به هر صورتی شده شخص مورد نظرش پیروز شود. در این جا ممکن است خدای نخواستہ افراد از حدود و ضوابط شرعی منحرف گردند".

مهدوی کنی معتقد است: "دین مشخص می کند که دانشجو و متعلم چه مبحثی و یا چه درسی را باید بخوانند که مفید جامعه واقع شود".

همه این دست و پا زدن نشان می دهد که: - تیر سیاست "انقلاب فرهنگی" به سنگ خورده است.

- دانشجویان انقلابی دیگر زیر بار نفوذ روحانیت راستگرا و متحجرین قشری یعنی حامیان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان نمی روند؛

- مبارزه دانشجویی چون آتش از زیر خاکستر جرقه می زند و می رود تا در سطح همه دانشگاه ها، مدارس عالی، هنرراها، هنرستانها و حتی دبیرستانها و دبستانها دامن بگسترده

- دانشجویان پیش از پیش به حقانیت نیروهای مترقی پی برده اند و کم کم در طی روندی نه چندان طولانی به شکل متشکل و سازمان یافته از این نیروها پشتیبانی خواهند کرد.

"شورای عالی فرهنگ" سرنوشتی بهتر از "ستاد انقلاب فرهنگی" نخواهد داشت. چهل و ناپهردی و ارتجاع را نمیتوان در بسته بندی "انقلاب فرهنگی" به دختران و پسران دانشجو تحمیل کرد.

### تشکل و اعتصاب، تنه‌آراه مبارزه برای تأمین حقوق صنفی کارکنان بخش دولتی

بقیه از صفحه ۵

مشترک اکثریت کارکنان ادارات و موسسات خدماتی و دولتی تبدیل شده است و این خواست عمومی زمینه بسیار مساعدی برای احیاء و یا ایجاد "شورای کارکنان" در موسسات دولتی را فراهم کرده است. با متشکل شدن کارمندان مبارزه آنان، ثمربخش تر خواهد شد.

در کنار شیوه های مراجعه و نامه نگاری به مقامات، زمینه مساعدی برای اعتلای شیوه های مبارزه کارکنان دولت بوجود آمده است. اکنون طبقه کارگر میهن ما با اعتصابات عمومی در کارخانه ها برای افزایش دستمزد می رزمند. شرط پیروزی حقوق بگیران پیوستن به این جریان عظیم مبارزه است. بنابر حساسیت شغلی حقوق بگیران بخش خدمات که ارکان ادارات و موسسات آموزشی، بهداشتی، گمرکات، تولید و توزیع برق، پست و تلگراف و تلفن، راه آهن، شرکت های واحد اتوبوسرانی و ... در دست آنهاست، ارتجاع قادر به مقاومت در برابر حرکت اعتصابی آنان نیست.

با مبارزه اعتصابی برای افزایش حقوق و کسب موفقیت در این عرصه، کارمندان می توانند به مبارزه عمومی مردم ایران علیه جنک و بخاطر دمکراسی نیز یاری رسانند. تجربه موفق اعتصابات عظیم کارگران و کارمندان که در شش سال پیش طومار رژیم پهلوی را در هم نوردیدند، نشان دهنده اهمیت اتحاد کارمندان و کارکنان بخش دولتی با کارگران است.

## کارزار جهانی دفاع از زندانیان توده‌ای

### اعتراض حزب کمونیست ایتالیا و واکنش ج.ا.

اعتراض شدید حزب کمونیست ایتالیا نسبت به سیاست ضد مردمی و ضددمکراتیک حاکمیت ج.ا. و اعمال فشار و شکنجه و اعدام در مورد زندانیان سیاسی بویژه توده‌ای‌های دربند و بازتاب آن در روزنامه پرتیراژ "اوانیتا" افکار عمومی را در ایتالیا بشدت علیه ج.ا. برانگیخته است.

بدنبال این اعتراض یک هیئت سه نفره از سوی ج.ا. به دفتر رفیق فرانکو فونگی مسئول روابط خارجی فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در شهرم مراجعه کردند و باسرم بندی ترهات و اتهامات معمول علیه حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق، دررد سیاست ترور و اختناق و شکنجه در ج.ا. توضیحاتی داده و خواستار ادامه روابط دوستانه شدند.

رفیق فونگی در پاسخ آنها گفت: این اعتراض نه تنها از جانب فدراسیون شهر رم حزب کمونیست، بلکه از جانب کمیته مرکزی حزب ما و سایر نیروهای دمکراتیک و کارگری ایتالیا صورت گرفته است. وی گفت: اقدامات ضددمکراتیک در ایران به معنی زیرپا گذاشتن قانون اساسی ج.ا. است

رفیق فونگی خواستار شد تا هیئتی مرکب از پزشکان و وکلای انتخاب شده از جانب حزب کمونیست ایتالیا برای بازدید وضع جسمی و روحی زندانیان و پرونده آنان به ایران رفته و ضمن بررسی وضع زندانیان برمحاکمات کادر رهبری حزب توده ایران نظارت کنند. وی تاکید کرد که هیئت مذکور بایستی به انتخاب خود با زندانیان مورد نظر گفتگو کند نه به انتخاب مسئولین ج.ا.

رفیق فونگی همچنین خاطر نشان ساخت: روابط دوستانه‌ای که شما ذکر کرده اید در صورتی میتواند وجود داشته باشد که خواستهای یاد شده جامه عمل بپوشد و گرنه درهای دوستی ما بروی ج.ا. بسته است.

هیئت نمایندگی ج.ا. که پاسخی نداشت، با بیان اینکه "ماماموریم و معذور" دست از پا درازتر فدراسیون شهرم حزب کمونیست ایتالیا را ترک گفت.

### اعتراض حزب کمونیست، ایالت گوتلاندرسون

حزب چپ کمونیست ها، ایالت گوتلاندر (سوئد) طی نامه‌ای به سفارت ج.ا. در شهر استکهلم نوشت: "طبق اخبار حاصله رژیم ارتجاعی ایران درصداست عده‌ای از کادرهای رهبری حزب توده ایران را محاکمه کند. زندانیان توده‌ای پیش از دو سال است که در زندانهای رژیم تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دارند. در این مدت آنان هیچ



صحنه‌ای از تظاهرات در کپنهاگ. از این تظاهرات عکسها و گزارشهای مفصلی در روزنامه های دانمارک منتشر شده است.

حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۹۷۵ بتصویب ایران هم رسیده است، حقوق همه افراد را برای دفاع از خود و برخورداری از وکیل مدافع انتخابی و حق طلب استیفاف نسبت به همه جرائم و محکومیت ها تضمین می کند."

سازمان عفو بین المللی درفرانسه خواسته است که طبق ماده ۱۴ قرارداد بین المللی همه متهمین از حقوق مدنی و سیاسی و بویژه حق انتخاب وکیل و دادن استیفاف برخوردار شوند.

### تظاهرات در کپنهاگ

در ۱۳ ژانویه، هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) راهپیمایی باشکوهی در کپنهاگ برگزار کردند. تظاهر کنندگان با حمل پلاکارتها و شعارهای اعتراضی علیه محاکمات غیر قانونی از مرکز اصلی شهر به طرف سفارت ج.ا. در کپنهاگ براه افتادند. در این راه پیمایی نمایندگان حزب کمونیست دانمارک و ترکیه و دیگر سازمانهای مترقی نیز شرکت داشتند.

کمیته دفاع از صلح و زندانیان سیاسی ایران در دانمارک، نماینده احزاب کمونیست دانمارک و ترکیه، همچنین نماینده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن خواندن پیامهایی خواستار آزادی زندانیان سیاسی در ایران و محاکمه علنی کادر رهبری و اعضاء و هواداران حزب توده ایران شدند.

مطبوعات دانمارک ضمن انتشار خبر و عکس راهپیمایی در مورد وضع کنونی ایران و چگونگی دستگیری و شکنجه کادر رهبری حزب، مطالب جالب توجهی نوشتند. شرکت کنندگان در راه پیمایی ضمن سخنرانی مقابل سفارت ج.ا. قطعنامه‌ای تنظیم و تسلیم سفارت کردند.

رابطه‌ای با دنیای خارج نداشته و از ملاقات با خویشاوندان خود محروم بوده اند. این دادگاهها چیزی جز صحنه‌سازی بیش‌مانه نیست و هدف از آنها فقط سرکوب حزب توده ایرلن است. این دادگاهها خلاف حقوق و موازین بین المللی پشت درهای بسته برگزار میشود و متهمین از حق داشتن وکیل محرومند. رییس این دادگاهها شخص بیطرفی نیست."

حزب چپ کمونیست ها، ایالت گوتلاندر از ج.ا. خواسته است تا گروهی از پزشکان خارجی و حقوقدانهای دمکرات وضعیت روحی، جسمی و پرونده های زندانیان توده‌ای را بررسی کرده و به زندانیان توده‌ای اجازه انتخاب وکیل بین المللی داده شود.

### نامه سازمان "عفو بین المللی" در فرانسه

سازمان "عفو بین الملل" در فرانسه نامه‌ای خطاب به خمینی و دکتر حسن حبیبی (وزیر دادگستری) درارتباط با محاکمات بخشی از کادرهای رهبری حزب توده ایران، تسلیم سفارت ج.ا. در پاریس کرد.

در این نامه از جمله آمده است: "عفو بین المللی، نگرانی خود را از شیوه قضایی معمول در دادگاههای انقلاب اسلامی و نظامی که از نرهای پذیرفته شده بین المللی برای یک دادگاه منصفانه بدورند، ابراز میکند و از آن بیم دارد که احکام مرگ درپاره متهمین صادر شود. سال پیش در فوریه ۱۹۸۴ ده عضو حزب توده ایران به جرم عضویت در سازمان نظامی این حزب به جوخه های اعدام سپرده شدند. اکنون ... وضعیت سلامتی برخی از متهمین این دادگاهها بشدت وخیم است.

ماده شماره ۱۴ قرارداد بین المللی مربوط به

**مردم آزاد میخواه ایران! برای نجات جان زنده بگوران سلول های زندان اوین و دیگر زندانها، صدای اعتراض خود را بلند کنید!**

## قلبی که در اثر شکنجه باز ایستاد

بهار سال ۶۳، قلب یک رفیق و یک هنرمند مترقی و مردمی از تیش باز ایستاد.

محمد تقی کهنمویی که در جریان یورش ددمنشانه به حزب توده ایران در اردیبهشت ۶۲ دستگیر شده بود، بر اثر شکنجه دژخیمان هنرستیز ج.ا. چند روز پس از خلاصی از زندان زندگی را بدرود گفت.

کهنمویی هنرپیشه سرشناس تئاتر و سینما، عضو شورای نویسندگان و هنرمندان ایران، از پایه گذاران سندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر ایران و سندیکای سینماگران کشور پس از پیروزی انقلاب بود. وی نقش ارزنده‌ای در تشکیل هنرمندان تئاتر و سینما و مبارزه حول خواستهای صنفی و سیاسی آنها ایفا کرد.

محمد تقی کهنمویی فعالیت‌های هنری خود را اوائل دهه ۲۰ در کنار عبدالحسین نوشین، استاد و کارگردان بزرگ تئاتر ایران در تئاترهای "فرهنگ"، "فردوسی" و "سعدی" آغاز کرد. در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد فعالیت هنری خود را در همدان و اصفهان ادامه داد و پس از بازگشت به تهران با گروه‌های "آناهیتا"، "انجمن تئاتر ایران"، "زمان" و چند گروه دیگر تئاتری همکاری می‌کرد. کسانی که نایش "در اعماق اجتماع" ماکسیم گورکی را دیده‌اند، شخصیت "لوکا" را در بازی درخشان کهنمویی خوب بیاد دارند. همچنین مردم کوچه و بازار تهران هیچگاه اجرای نمایشنامه‌های هنری-تبلیغی او را در دفاع از انقلاب در میدانها و معابر عمومی فراموش نخواهند کرد.

کهنمویی علاوه بر هنرپیشگی دستی به قلم داشت و بارونامه‌های مترقی دوران از قبیل "چلنگر" و "توفیق" در زمینه طنز همکاری می‌کرد. از وی چند داستان و نمایشنامه طنز آمیز و ترجمه چند اثر نمایشی به یادگار مانده است. یادش گرامی باد!

### پروسی شهان

بقیه از صفحه ۵

همسر شهید با استفاده از این فرصت با چوب می افتد به جان ایشان و در همین بین همسایه‌ها که متوجه سروصدا شده بودند سر می‌رسند و رسیدگی کننده به احتیاجات همسر شهید را با کمک خود همسر شهید از چاهک بیرون کشیده و تحویل ژاندارمری میدهند. تاکنون اطلاعی از وضع حجت الاسلام در دست نیست.

(شاهد و یکی از دستگیر کنندگان حجت الاسلام)

## خلاصه نامه

### کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان

#### به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

رفقا،

۱۹۷۲ تا ۱۹۸۲ دوبار دستمزد کارگران و کارمندان در بخش دولتی بالا برده شده است. کارهای زیادی در راستای بهداشت و درمان و بیکاری با بیسوادی انجام گرفته است.

اگر خرابکاری فئودالها و دستیارانشان، روسای قبایل، بورژوازی دلال و برخی عناصر دیگر که انقلاب موقعیت ممتازشان را از بین برده، نبود، موفقیت‌های افغانستان انقلابی خیلی بیشتر از اینها می‌توانست باشد. با پنهان شدن پشت شعارهای دروغین آنان توانستند بخشی از مردم ناآگاه را فریب بدهند. اگر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه تکیه‌گاه ضدانقلاب افغانستان نشده بودند این ضدانقلاب مدتها پیش سرکوب گردیده بود. درست همین کشورها الهام بخشان و سازمان دهندگان جنگ اعلام نشده علیه افغانستان انقلابی هستند. آنان در اعمال خود علیه انقلاب افغانستان از تفرق طبقاتی نسبت به ترقی اجتماعی و آزادی واقعی خلق و گرایش به ایجاد سر پل تجاوز در مرزهای جنوبی اتحادشوروی الهام می‌گیرند.

ما موضع شما را پیرامون حضور بخشهای محدود ارتش شوروی در افغانستان قاطعانه رد می‌کنیم. حضور آنها پایه قانونی دارد و در هماهنگی با منشور سازمان ملل متحد و قرارداد دوستی و حسن همجواری و همکاری میان افغانستان و اتحاد شوروی منعقد در دسامبر ۱۹۷۸ می‌باشد. می‌خواهیم یادآور شویم که در موقع خود، اتحاد شوروی بر پایه اصول شریف همبستگی انترناسیونالیستی کمکهای وسیع نظامی در اختیار ارتش رهایی بخش ملی چین نیز گذاشت. تمام جنگ افزارها و تجهیزات نظامی ارتش شکست خورده ژاپن در سال ۱۹۴۵ بلا عوض به شما داده شد.

ما انقلابیون افغانستان دارای احساسات دشمنانه نسبت به حزب کمونیست چین و خلق کبیر چین نیستیم. ما می‌خواهیم با شما در محیط دوستی و حسن همجواری زندگی کنیم و مناسبات برابر حقوق با سود متقابل را با شما گسترش دهیم. اما بدین منظور چین باید از مشی خصمانه نسبت به انقلاب افغانستان دست بکشد و پشتیبانی از نیروهای ضدانقلابی را قطع کند. چنین کاری جوایگوی منافع بنیادی دو خلق ما و امر صلح در جهان خواهد بود.

کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان بعلت گسترش دخالت چین در امور افغانستان و همچنین تشدید پشتیبانی اش از نیروهای ضدانقلابی که علیه افغانستان عمل می‌کنند لازم دید این نامه را خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تهیه کند. در مورد افزایش این پشتیبانی تعدادی واقعیت‌های انکار ناپذیر وجود دارد. از جمله پیوسته بیشتر و بیشتر در میان جنگ افزایشی که از راهزنان گرفته می‌شود، همراه با آنچه که از ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو فرستاده شده، علامت ساخته شده در چین، نیز مشاهده می‌شود.

چین کارزار آشکارا دشمنانه‌ای را علیه رژیم انقلابی افغانستان انجام میدهد و در این راه از دروغ در جهت دامن زدن به کینه و دشمنی علیه ساختار نوین و خلق ما استفاده می‌کند. نمایندگان رسمی چین مستقیماً اعلام می‌کنند که کشورشان قصد دارد در آینده نیز کمکهای وسیع نظامی و دیگر کمکها را به باندهای ضدانقلابی ادامه دهد.

این موضعگیری، اعتراض محقانه ما را برمی‌انگیزد، بخصوص که کشوری مانند جمهوری مردم چین که خود بار سنگین تضییقات امپریالیستی را بدوش کشیده و آزمایش مبارزه آزادیبخش انقلابی را از سر گذرانیده آنرا اتخاذ می‌کند.

همه می‌دانند که حزب کمونیست چین از پشتیبانی عظیم و دیگر کمکهای اتحاد شوروی بهنگام بیکار رهایی بخش برخوردار بود. در سال ۱۹۴۵ درهم شکسته شدن ارتش ژاپن در منچوری توسط اتحاد شوروی کمک واقعی به ارتش سرخ چین در مبارزه برای آزاد کردن کشور از اشغال ژاپن و فرمانروایی کمیندان بود.

انقلاب افغانستان علیه رژیم دیکتاتوری داود و برای بهروزی خلق انجام گرفت. این انقلاب تاکنون خدمات ارزنده‌ای به خلق کرده و ما به نخستین دستاوردهای خود افتخار می‌کنیم. در سال ۱۹۸۲ تولیدات اقتصاد ملی، در مقایسه با سال ۱۹۸۱، پانزده درصد افزایش یافت. در کشور اصلاحات ارضی دمکراتیک تحقق می‌پذیرد و انواع اشکال همیاری جمعی توسعه می‌یابد. از سال

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

رازا ۲۰۰ مارک و ۲۰۰ دلار  
۰۴۰۰ ع ۴۰۰ فلورن  
الف ۰۰۵۰ اسن مارک

مردم ایران خواهان صلح اند. نبردی سخت در این راه آغاز شده است. هدف این نبرد برقراری یک صلح عادلانه و دمکراتیک است که استقلال و تمامیت ارضی هر دو کشور ایران و عراق را حفظ کند و به خلقهای این دو کشور امکان دهد سرنوشت خویش را مستقلاً معین سازند.

NAMEH  
MARDOM  
No: 38

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

FEB. 21, 1985